

Nationality of Group of Companies in Law of France, EU and Iran

Received: 21/11/2020; Accepted: 12/05/2021

Mehdi Ashouri ¹

Hossein Kaviar ²

Sahar Ban ³

Abstract:

The special position of group of companies in international investment is undeniable. This notable position and their deep influence in international investment is such that group of companies plays a role equal to that of states in foreign investment. One of the most challenging discussions around group of companies is their nationality. There are serious disagreements as to whether the group of companies has legal personality and, consequently, nationality. Recognition or non-recognition of the legal personality and nationality of these groups has important and diverse legal implications that need to be examined carefully. These include the rights, obligations and responsibilities of the member companies vis-à-vis the parent company as well as the host country of the subsidiaries. Examining the law of Iran and France it is understood that group of companies lacks legal personality and nationality. In EU there is no unified regulations in this regard, but the case law of EU has taken a double approach toward the subject. This article introduces a pervasive framework for the assessment of the nationality of the group of companies and considers the controversial situation of some well-known company.

Keywords: Nationality, Parent Company, Subsidiaries Companies, Affiliated, Group of Companies.



1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahr-e-Kord University (Corresponding Author); Email: ashouri.mehdi@sku.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Science and Economics, University of Arak.
3. MA in Corporate Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahr-e-Kord University



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تابعیت گروه شرکت مادر حقوق فرانسه، اتحادیه اروپا و ایران

مهدی عاشوری^۱

حسین کاویار^۲

سحر بان^۳

تاریخ دریافت ۹۸/۰۹/۰۱ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

چکیده

جایگاه ویژه گروه شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری بین‌المللی انکارناشدنی است. این جایگاه برجسته و عمق نفوذ آن‌ها در سرمایه‌گذاری بین‌المللی به حدی است که گروه شرکت‌ها نقشی همپای دولت‌ها در سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کرده‌اند. یکی از چالشی‌ترین مباحث پیرامون گروه شرکت‌ها، بحث دربارهٔ تابعیت آن‌هاست. در خصوص این‌که گروه شرکت‌ها واجد شخصیت حقوقی و بالتبع دارای تابعیت است یا خیر اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. شناخت و یا عدم شناخت شخصیت حقوقی و تابعیت برای این گروه‌ها آثار حقوقی مهم و متفاوتی را نیز به همراه دارد که باید به طور دقیق مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. از جمله این آثار می‌توان به حقوق و تعهدات و مسئولیت‌های شرکت‌های عضو گروه در مقابل شرکت مادر و نیز در مقابل کشور میزبان شرکت‌های تابعه اشاره کرد. با بررسی حقوق ایران و فرانسه استنباط می‌گردد که گروه شرکت‌ها فاقد شخصیت حقوقی و تابعیت است. در اتحادیه اروپا نیز مقررات متحدالشکلی در این رابطه وجود ندارد اما رویه قضایی اتحادیه اروپا رویکردی دوگانه در این خصوص دارد. این مقاله یک چارچوب فراگیر برای ارزیابی تابعیت گروه شرکت‌ها ارائه می‌دهد و وضعیت بحث‌برانگیز چندین بنگاه مشهور را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: تابعیت، شرکت مادر، شرکت‌های تابعه، شرکت فرعی، گروه شرکت‌ها.



۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: ashouri.mehdi@sku.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک.
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق شرکت‌ها، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.



مقدمه

از بازیگران مهم اقتصاد بین‌الملل، گروه شرکت‌ها یا شرکت‌های چندملیتی است^۱ که معمولاً آنها را معادل یکدیگر بکار می‌برند. شرکت چندملیتی شرکتی است خصوصی یا دولتی که به سبک شرکت خصوصی اداره می‌شود (مانند شرکت رنو، ایرباس، گوگل) و در کشورهای مختلف صاحب دارایی است و این دارایی را به صورت هماهنگ در سطح بازار بین‌المللی به کار می‌گیرد (اسکینی، ۱۳۸۳: ۷۵). شرکت‌های چندملیتی، از مجموع یک شرکت مادر (شرکت اصلی) که تابعیت محل ثبت خود را دارد و چندین شرکت فرعی که این شرکت‌های فرعی نیز هر کدام تابعیت محل ثبت خود را دارند تشکیل می‌شود.^۲ مجموع این شرکت‌ها را گروه شرکت‌ها و یا شرکت‌های چندملیتی می‌نامند. هر یک از شرکت‌های فرعی فقط دارای یک تابعیت می‌باشند ولی به لحاظ اینکه شرکت اصلی، دارنده سهام شرکت‌های فرعی محسوب می‌شود مجموعه این سازمان حقوقی (شرکت‌های گوناگون) چندملیتی محسوب می‌شوند. (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۴۵؛ نصیری، ۱۳۵۵: ۳۱) انستیتیوی حقوق بین‌الملل،^۳ شرکت چندملیتی را که نوعی از گروه شرکت‌ها می‌باشد این گونه تعریف کرده است: «یک گروه از شرکت‌هایی که تحت رژیم مالکیت یا کنترل مشترک^۴ اقدام می‌کنند و شرکت‌های عضو با قانون بیش از یک کشور تشکیل شده‌اند». (Bouderhem, 2012, n.302:322). برای تحقق یک شرکت چندملیتی تحقق دو

۱. پدیده گروه شرکتی برای اولین بار با اعطای حق سهامداری به شرکت‌های تجاری توسط قانونگذار ایالت نیوجرسی در سال ۱۸۸۹ میلادی و متعاقب آن شکل‌گیری شرکت‌های مادر و هلدینگ ظهور کرد (برای مطالعه بیشتر نک. عابدی، ۱۳۹۹: ۳۰۵؛ لاجوردی، ۱۳۹۹؛ در مورد تفاوت شرکت چندملیتی با شرکت بین‌المللی نک. پیران، ۱۳۸۹: ۲۸).

۲. تفاوت شرکت فرعی و شعبه در این است که «شرکت فرعی دارای شخصیت حقوقی متمایز و مستقلی در کشور خارجی است که در آن به ثبت رسیده است؛ اما شعبه صرفاً بخشی از وجود صادرکننده در کشور خارجی است و از طریق آن، صادرکننده شخصاً در آن کشور حاضر است». (اشمیتوف، ۱۳۹۰: ۴۸۹)

3. Session de août-septembre 1995, Lisbonne V.I. - Définition, point 1.

4. Un régime de propriété ou de contrôle commun

شرط لازم و کافی است: ۱- شرکتی بودن سهامدار؛ ۲- کنترل بودن سهام (وابستگی حقوقی). بنابراین می توان اینگونه شرکت ها را چنین تعریف کرد: شرکت چندملیتی عبارت از ترکیب یک شرکت کنترل کننده که در رأس گروه و یک یا چند شرکت کنترل شونده که در ذیل گروه قرار می گیرد، ایجاد می شود (عابدی فیروزجائی، ۱۳۹۶: ۶۵).

«در اکثر موارد شرکت مادر در یک کشور پیشرفته سرمایه فرست و بسیاری از شرکت های زیرمجموعه، در کشورهای در حال توسعه و سرمایه پذیر تشکیل می شوند». (صالحی مازندرانی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۹) این شرکت ها واجد سه مشخصه اصلی هستند: اولاً، چند شرکت با ملیت های متفاوت با یکدیگر تلفیق می شوند. ثانیاً، بین این شرکت ها باید نوعی پیوند به واسطه سهامداران، قرارداد یا کنترل مدیریتی وجود داشته باشد (مانند حق کمپانی برای تعیین مدیران کمپانی دیگر یا فراهم آوردن تسهیلاتی برای مدیران). ثالثاً، این شرکت ها باید یک واحد اقتصادی در تجارت جهانی تشکیل دهند (نک. سماواتی، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

در مورد گروه شرکت ها که از یک شرکت مادر و چندین شرکت تابعه یا فرعی در کشورهای دیگر تشکیل شده است، این سؤال مطرح می شود که آیا گروه شرکت ها به عنوان گروه و جدای از اعضای گروه و به طور مستقل دارای شخصیت حقوقی است؟ آیا گروه شرکت ها دارای تابعیت است؟ پاسخ این سؤال ها در تعیین حقوق و تعهدات و مسئولیت های شرکت های عضو گروه در مقابل شرکت مادر و نیز در مقابل کشور میزبان شرکت های تابعه مؤثر است.^۱ در پاسخ به دو سؤال فوق عموماً قانونگذاران ملی نمی پذیرند که به گروه شرکت ها تابعیت اعطاء کنند. در نتیجه گروه شرکت ها هیچ گاه یک قانون واحدی را که بر وضعیت حقوقی آن ها حاکم باشد در اختیار ندارند. از دیدگاه غالب،

۱. بحث در رابطه با توقف شرکتهای چندملیتی (جنیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۱؛ کاشی آرائی، ۱۳۸۶: ۱۶۹)، مسئولیت مدنی شرکتهای چندملیتی، شناسایی اطراف قرارداد داوری (نک. بهمنی، ۱۳۹۲: ۱۸۷ و همچنین دادنامه شماره ۶۹۱ مورخ ۸۵/۸/۲۷ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران مجتمع قضایی شهید بهشتی) وابسته به شناسایی شخصیت و تابعیت این شرکتهاست.



گروه شرکت‌ها، واحدی که از نظر حقوقی قابل شناسایی باشد نیست و به عبارت دیگر یک نهاد مستقل حقوقی محسوب نمی‌شود؛ اما هر شرکت عضو گروه، مستقل بوده و تابع یک قانون حاکم بر شرکت که مربوط به کشور محل ایجاد یا ثبت شرکت است می‌باشد. با وجود این برخی از نویسندگان، مسأله گروه شرکت‌ها را به صورت یک مجموعه واحد بررسی کرده‌اند و برای آن یک تابعیت واحد در نظر گرفته‌اند. توسعه روزافزون این گونه شرکت‌ها در سطح گسترده از یک طرف و عدم وجود مقرراتی یکپارچه در مورد ماهیت، تابعیت و مسئولیت این موجودیت‌های حقوقی موجب شده است که برخی ابهامات در مورد تعیین تابعیت این شرکت‌ها، امکان طرح دعوی علیه شرکت مادر یا شرکت‌های زیرمجموعه آن و محل طرح این گونه دعاوی به وجود آید.

در خصوص موضوع حاضر تحقیق مستقلی با این عنوان در حقوق ایران وجود ندارد و در منابع فرانسوی نیز ضمن بحث تابعیت شرکت‌ها در حقوق بین‌الملل خصوصی مطالبی بطور پراکنده در این رابطه بیان شده است.^۱ در این تحقیق، با تبیین قوانین و رویه قضایی و دکترین حقوق فرانسه و همچنین حقوق اتحادیه اروپا و آنچه از حقوق ایران در این زمینه در دست‌است، ضمن پاسخ به این سؤال که آیا خود گروه شرکت‌ها تابعیت مجزایی از شرکتهای عضو گروه و بالتبع شخصیت حقوقی مستقلی از اعضاء دارد یا خیر؟ و آیا امکان دارد به خود گروه شرکت‌ها شخصیت حقوقی مستقل و تابعیت مستقلی از اعضاء بدهیم؟ مزایا و معایب این امر چیست؟ خواهیم دید که گروه شرکت‌ها در حقوق ایران، فرانسه و اتحادیه اروپا چه جایگاهی از نظر تابعیت دارند.

۱. تفاوت شرکت‌های چند ملیتی با جوینت ونچر

جوینت ونچر نوعی ترتیبات همکاری مشارکتی بین دو یا چند شرکت مستقل

۱. علم حقوق با تأخیر بسیار پدیده گروه شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده است. اگر گروه شرکت‌ها یک پدیده اقتصادی مهم و مبتنی بر واقعیات تکنیکی است، پدیده‌ای حقوقی نیز هست. حتی بیش از این، گروه شرکت‌ها زائیده حقوق است. جنبه‌های حقوقی آن ثانوی و فرعی نیست بلکه از جوهر این پدیده ناشی می‌شود (نک. هنجی، ۱۳۶۵: ۱۲۳).





است، به گونه‌ای که ثمره همکاری مذکور تشکیل شخصیت حقوقی جدیدی است که از لحاظ سازمانی کاملاً جدا و مستقل از تشکیل‌دهندگان اولیه است. به عبارت دیگر، جوینت ونچر به نوعی از همکاری تجاری اطلاق می‌شود که طی آن طرفین مدیریت فعالیت خاصی را به نحو مشترک بر عهده می‌گیرند و در سود و زیان حاصله شریک می‌شوند. تشکیل جوینت ونچر میان شرکتهای داخلی یک کشور با یکدیگر و یا بین شرکتهای داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. (باستانی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳) جوینت ونچر به دو نوع تقسیم می‌شود: قراردادی و شرکتی. جوینت ونچر قراردادی بدون انجام سرمایه‌گذاری مشترک و در نتیجه بدون تأسیس یک بنگاه اقتصادی مشترک تشکیل می‌گردد. این نوع جوینت ونچر که بدون آورده بوده هر یک از طرفین بر اساس قرارداد انجام بخشی از فعالیت مشترک را بر عهده می‌گیرند بدون اینکه شخصیت حقوقی جدیدی شکل گیرد. در مقابل، جوینت ونچر شرکتی نوعی مشارکت است که یا در آن طرفین برای همکاری با یکدیگر و تحقق اهداف مشترک دست به تأسیس یک بنگاه اقتصادی (شرکت) جدید می‌زنند و آورده‌های خود را در این بنگاه متمرکز می‌کنند و هدایت فعالیت از طریق این بنگاه اقتصادی انجام می‌پذیرد و یا اینکه ممکن است یک یا چند شریک وارد شرکت تجاری موجود شوند که علی‌الاصول به صورت انتقال مقداری از سهام و یا افزایش سرمایه صورت می‌گیرد. (باستانی، ۱۳۹۰: ۶۰) از بین دو نوع جوینت ونچر مذکور فقط نوع شرکتی آن مشابه شرکت‌های چند ملیتی است؛ لیکن از چند جهت با آن متفاوت است: نخست اینکه در جوینت ونچر، برخلاف گروه شرکتها (شرکت‌های چند ملیتی)، شرکتی به عنوان شرکت مادر و شرکت‌های فرعی وجود ندارد و همه شرکت‌های موجود در این فعالیت مشترک اقتصادی استقلال دارند و تابع نیستند. اما گروه شرکتها (شرکتهای چند ملیتی) از ترکیب یک شرکت کنترل‌کننده که در رأس گروه است و یک یا چند شرکت کنترل‌شونده که در ذیل گروه قرار دارند تشکیل می‌شود. در واقع ایجاد گروه شرکتی بر اساس رابطه بین شرکت مادر و شرکت‌های فرعی به صورت سهامداری کنترلی و مؤثر اولی در دومی صورت می‌گیرد. (عابدی، فیروزجایی، ۱۳۹۶: ۶۸ و ۶۵)





دوم اینکه اداره جوینت ونچر و کنترل این فعالیت اقتصادی مشترک معمولاً بر عهده تمام اعضاء است و حدود مالکیت هر یک از شرکای شرکت مشترک رابطه مستقیمی با میزان دخالت و تأثیر تصمیمات شریک بر اداره و کنترل شرکت دارد. اما این ضابطه کلیت نداشته و ممکن است بدون توجه به میزان سهام برای یک یا چند نفر از شرکا در اساسنامه شرکت یا قرارداد جداگانه‌ای یا حتی قرارداد اولیه یا تشکیل مشارکت تجارتي قید شود که اتخاذ تصمیم در موضوعات خاصی که مربوط به کنترل و اداره شرکت است به اتفاق آرا یا با موافقت دارندگان سهام خاص صورت گیرد. (باستانی، ۱۳۹۰: ۶۱)

سوم اینکه جوینت ونچر برخلاف گروه شرکتی ممکن است بین شرکتهای داخلی یک کشور با یکدیگر نیز صورت گیرد.

بنابراین در مورد جوینت ونچر سؤال راجع به تابعیت کل مجموعه گروه مشارکت کننده قابل طرح نیست درحالیکه در مورد گروه شرکتی این سؤال قابل طرح است که در مباحث آتی به آن می‌پردازیم.

۲. امکان سنجی اعطای تابعیت واحد به گروه شرکت‌ها

آیا این امکان وجود دارد که گروه بین‌المللی شرکت‌ها را یک مجموعه واحد به حساب آوریم و به آن یک تابعیت واحد بدهیم؟ به عبارت دیگر آیا شرکت‌های تابعه می‌توانند تحت حاکمیت قانون حاکم بر شرکت مادر باشند؟ برخی از حقوقدانان با استفاده از «ضابطه مرکز تصمیم‌گیری» و برخی دیگر توسط «معیار کنترل اقتصادی»، وحدت گروه شرکتها را توجیه می‌کنند و برای گروه شخصیت حقوقی مستقل قائلند. در زیر به بررسی این نظریات می‌پردازیم:

۲-۱. نظریه مرکز تصمیم‌گیری

۲-۱-۱. بیان نظریه

بر اساس معیار مرکز تصمیم‌گیری، گروه به عنوان مجموعه‌ای هماهنگ و زیر مجموعه مرکز تصمیم‌گیری است. در میان گروه، سلسله مراتب و رابطه تبعیت بین شرکت مسلط (شرکت مادر) و شرکت‌های تحت تسلط وجود دارد و همین امر مستلزم انکار استقلال



شرکت‌های تحت تسلط شرکت مادر است. (Wandoren, 2008: 96) تمامی تصمیم‌های مربوط به گروه توسط شرکت مادر اتخاذ می‌شوند. مدیران شرکت‌های تابعه نیز باید الزاماً دستورات شرکت مادر را رعایت کنند در غیر این صورت در خطر احضار شدن قرار می‌گیرند. (Bouderhem, 2012, : n.304:324)

معیار مرکز تصمیم‌گیری به منظور مقابله با تناقض (دوگانگی)^۱ که در شرکت‌های چندملیتی وجود دارد برقرار شده است. این دوگانگی عبارت است از اینکه هر شرکت گروه شخصیت حقوقی مستقل دارد که از لحاظ حقوقی موجود مستقلی فرض می‌شود در حالیکه شرکت‌های گروه در عمل در چارچوب یک مجموعه واحد تشکیل‌گروه داده‌اند. هدف معیار مذکور این است که به هریک از شرکت‌های گروه، تابعیت مرکز تصمیم‌گیری را بدهد یعنی مکانی که سیاست گروه را برای روابط بین‌المللی تعیین می‌کند. بنظر پروفیسور «چارلز لبن»^۲ -حقوقدان فرانسوی- بهترین راه‌حل این است که ابهامی که در توصیف چندملیتی بودن این گروه وجود دارد با اختصاص یک تابعیت به گروه برطرف شود. (Leben, 1977: n.151, p.218) ایراد نظر ایشان این است که واژه چندملیتی برخلاف آنچه که به ذهن می‌رسد به این معنی نیست که شرکت‌های گروه چند تابعیت دارند بلکه بیشتر به معنی عدم وابستگی شرکت‌های گروه به یک بازار واحد و توانایی شرکت‌های گروه در رساندن تولیداتشان به تمام دنیا است. (Wandoren, 2008: 121-)

(122)

۲-۱-۲. نقد نظریه

معیار مرکز تصمیم‌گیری هرچند برای پاسخ به ساختار خاص شرکت‌های چندملیتی به وجود آمده، اما قانع‌کننده نیست. در ایراد به این معیار می‌توان گفت که معیار مذکور در زمینه شرکت‌های چند ملیتی با موانعی مواجه است. مشکل از این امر ناشی می‌شود که تعیین مرکز تصمیم‌گیری آسان نیست. در شرکت‌های چند ملیتی همانند ساختار سازمانی پیچیده (مرکب) آنها تعیین مرکز تصمیم‌گیری نیز پیچیده است. اگرچه تعیین مرکز



تصمیم‌گیری در گروه‌های کوچک آسان بنظر می‌رسد (مرکز تصمیم‌گیری در غالب موارد همان مرکز اداری واقعی شرکت مادر است) اما در مورد گروه‌های بزرگ بین‌المللی مسأله دشوار می‌شود. (Leben, 1977, n.151: 220) شرکت‌های چندملیتی بزرگ شرکت‌هایی هستند که فعالیت و تصمیمات آنها در یک‌جا متمرکز نیست. (Menjucq, 2001, n.142: 263) بنابراین اتخاذ تصمیمات در آنها، بطور یکجانبه صورت نمی‌گیرد بلکه از طریق روند تفویض اخذ تصمیمات به دفاتر ناحیه‌ای و ارائه دائمی اطلاعات از دفاتر مذکور به شرکت مادر صورت می‌گیرد. این دفاتر ناحیه‌ای دارای اختیارات وسیعی هستند بدون اینکه اختیاراتشان به اندازه اختیارات شرکت مادر برسد و بخش بزرگی از این مجموعه را تشکیل می‌دهند. (Wandoren, 2008: 122) در برخی از شرکت‌های چندملیتی یک مرکز تصمیم‌گیری مجزا از شرکت مادر دیده می‌شود یا یک مرکز تصمیم‌گیری واحد وجود ندارد بلکه تعدد مراکز تصمیم‌گیری وجود دارد. فرض اول در سطح جامعه مشترک اروپا بسیار زیاد است. (Menjucq, 2001, n.142: 263) این امر با هدف تمرکززدایی از مرکز تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد که می‌تواند باعث استقلال تصمیم‌گیری در مدیریت‌های شرکت‌های محلی (تابعه) شود. بنابراین معیار مرکز تصمیم‌گیری نیز مانند معیارهای دیگر قانع‌کننده نیست و در برخورد با واقعیت اقتصادی امکان تعیین تابعیت را به آسانی نمی‌دهد. هرچند که بتوان وجود یک مرکز تصمیم‌گیری غالب را پیشنهاد داد اما باید در اینجا یادآور شویم که سیستم‌های گروه‌ها بسیار پیچیده است و لذا تعیین مرکز مذکور بسیار سخت خواهد بود. (Wandoren, 2008: 123)

۲-۲. نظریه کنترل اقتصادی

۲-۲-۱. بیان نظریه

مطابق این نظریه گروه شرکت‌ها مجموعه اقتصادی بین‌المللی واحدی است که اعضای آن با یک هدف اقتصادی واحد جمع شده‌اند. (Bouderhem, 2012: 324) امروزه همگام با افزایش گروه‌های شرکت‌ها، معیار کنترل اقتصادی جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است به گونه‌ای که در مواردی جایگزین جنبه حقوقی اقامتگاه اصلی یا جنبه حقوقی این مشارکت می‌شود. (Catel Duet, 2007: 615)





در مقایسه با معیار مرکز اصلی (اداری) که واقعیت اقتصادی گروه را نمی‌نمایاند معیار کنترل معیاری عملی‌تر و واقعی‌تر است. به عقیده «ژاک بگن»^۱ -حقوقدان فرانسوی- تابعیت حقوقی شرکت‌ها باید مرتبط با وابستگی اقتصادی آنها باشد. به نظر برخی نویسندگان، معیار کنترل اقتصادی برای برداشتن حجاب شرکت است که توسط مرکز اصلی و شخصیت حقوقی در قلمرو سرزمینی یک دولت ایجاد شده است. معیار کنترل به این منظور به وجود آمده که تعیین کند چه کسی در واقع شرکت را مدیریت می‌کند و بر آن حاکم است. به نظر این نویسندگان مرکز اصلی تابلویی است که به اشخاصی که شرکت را کنترل می‌کنند اجازه می‌دهد در پشت این ساختار حقوقی به منظور حفظ منافعشان مخفی شوند و از امتیازات مربوط به حقوق ملی (محلی) برخوردار گردند. بنابراین باید تعیین شود که چه اشخاصی واقعاً از شرکت منتفع می‌گردند (Wandoren, 114: 2008) تا تابعیت آنها به گروه داده شود.

در مورد معیار کنترل این سؤالات مطرح می‌شود: چه کسی در پشت پرده کنترل، خود را مخفی می‌کند؟ شرکای شرکت؟ مدیران؟ شورای مدیریت (هیأت مدیره)؟ کشور منشأ تأمین سرمایه‌ها در شرکت؟ این سؤالات همچنان می‌تواند ادامه یابد. حال کدامیک از این ویژگی‌ها باید لحاظ شود؟ امروزه این مسأله همچنان حل نشده باقی مانده است.

۲-۲-۲. نقد نظریه

ایرادات وارد بر معیار کنترل اقتصادی عبارتند از این که: اولاً کنترل که مبنای نظریه وحدت گروه شرکت‌ها می‌باشد، خود ملاکی متغیر است. مثلاً با تغییر ناگهانی محل کنترل، قانون حاکم بر گروه نیز تغییر خواهد کرد و این امر منشأ ایجاد عدم امنیت حقوقی برای سهامداران و اشخاص ثالث است؛ زیرا قانون حاکم بر قراردادهایشان از پیش به سختی قابل تعیین خواهد بود. توضیح اینکه کنترل اقتصادی به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود که عبارتند از: کنترل توسط شرکا، کنترل توسط مدیران، کنترل توسط کشور مبدأ سرمایه، کنترل توسط کشوری که از مزایای اقتصادی و مالیاتی فعالیت شرکت سود



۳. استقلال حقوقی شرکت‌های تابعه در گروه بین‌المللی شرکت‌ها

عامل ارتباط یک شرکت با یک کشور با استفاده از «اصل وفاداری سیاسی» که یک عامل اساسی تابعیت است اعمال می‌شود. این عامل ارتباط در شرکت‌های چندملیتی به سختی قابل شناسایی و قابل توصیف است. زیرا علیرغم اینکه فعالیت این گروه‌ها کم‌وبیش در سراسر جهان پراکنده است اما چون هریک از شرکت‌های گروه در قلمرو سیستم حقوقی یک کشور واقع شده است مانند شرکت‌های ملی محسوب می‌شوند. وفاداری سیاسی در شرکت‌های چندملیتی در سطح گروه شرکت‌ها وجود ندارد. لیکن وفاداری سیاسی تنها عاملی نیست که وجود ندارد بلکه گروه شرکت‌ها شخصیت حقوقی نیز ندارد. (Menjucq, 2001, n.142: 115) این گروه‌ها صرفاً یک وحدت اقتصادی را تشکیل می‌دهند با یک سیاست مشخص برای مجموعه گروه که از طریق یک مدیریت مرکزی اعمال می‌شود. اما اعضای این گروه‌ها به دلیل اینکه تحت حاکمیت دولتهای مشخصی هستند مجزا از هم می‌باشند. واقعیت اقتصادی این گروه‌ها ارتباطی با واقعیت حقوقی آنها ندارد. از لحاظ حقوقی، گروه، وجود واحد (وحدت حقوقی) ندارد. (Wandoren, 2008: 96)

«پتر ماچلینسکی»^۱ استاد حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه لندن - معتقد است که تعیین تابعیت شرکت‌های چندملیتی غیر ممکن به نظر می‌رسد. ساختار شرکت چندملیتی این سؤال را مطرح می‌سازد که چرا این شرکت باید به یک کشور بیش از کشور دیگر مرتبط باشد درحالی‌که در هر دو کشور وجود دارد. وی اضافه می‌کند که گروه شرکت‌های چندملیتی یا باید دارای چندین تابعیت باشد که از رابطه با چندین کشور ناشی می‌شود و یا اینکه دارای هیچ تابعیتی نباشد چون منحصراً با یک کشور خاص مرتبط نیست. دلیل این پارادوکس این است که تابعیت بر مبنای یک رابطه عالی بین فرد و دولت بوده و خود گروه شرکت‌های چندملیتی فاقد این رابطه است. اگرچه شرکت مادر دارای ارتباط با





کشور میزبان یا پذیرنده است اما این ارتباط به اندازه‌ای قوی نیست که مجموعه شرکت-های گروه را تحت این رابطه قرار دهد. (Wandoren, 2008: 102)

«گروه شرکت‌ها در حقوق فرانسه و در اغلب قانون‌گذاری‌ها به استثنای حقوق آلمان^۱ شخصیت حقوقی ندارد. اگر گروه در اغلب موارد فضایی است که از دیدگاه مدیریتی، متحد است، اما از دید حقوق‌دانان مجموعه‌ای از وجودها است که به صورت مستقل عمل می‌کنند». (Couret, 2002: 388) بنابراین گروه مذکور نمی‌تواند به صورت یک موجود واحد، طرف حق و تکلیف قرار گیرد. اما شرکت‌های وابسته از این مزیت برخوردارند. «حال با توجه به اینکه گروه شرکت‌ها تحت حاکمیت قانون یک کشور معین نیست لذا تعدد قانون‌های حاکم بر شرکت‌های گروه، باعث بهتر شدن مدیریت جهانی گروه می‌شود». (Hannoun, 1991: 236) «شرکت‌های تابعه، تحت حاکمیت قانونی متفاوت از قانون حاکم بر شرکت مادر می‌باشند و این تفاوت اساساً منافع حقوقی خاصی را در پی دارد؛ چرا که تشکیل یک شرکت محلی این امر را ممکن می‌سازد که این شرکت از همان مزیت‌های مالیاتی و اجتماعی که شرکت‌های کشور محل عملیات از آن‌ها بهره می‌برند استفاده نماید». (Catel Duet, 2007: 615) به علاوه استقلال حقوقی شرکت‌های تابعه باعث می‌شود خطرات متوجه یکی از شرکت‌های گروه عاید گروه نشود و همچنین شرکت‌های گروه را از نقطه نظر مالی و مالیاتی تقسیم‌بندی می‌کند. یعنی هر شرکت گروه از نظر مالیاتی تابع دولت متبوع خود خواهد بود. از سوی دیگر اگر بخواهیم مجموعه شرکت‌های گروه را تحت حاکمیت یک قانون واحد قرار دهیم، با تعارض قوانین بسیار

۱. حقوق آلمان در قانون ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۵ برای شرکت‌های سهامی (verbundene Unternehmen) و به طور اخص برای گروه شرکت‌ها (Aktiengesetz ou AktG) قانون وضع کرده‌است. این قانون که خیلی به جزئیات می‌پردازد شامل بیش از ۴۰۰ پاراگراف است که برخی از آن‌ها نسبتاً طولانی می‌باشند. تمام مواد این قانون امری هستند، آزادی اساسنامه‌ای (La liberté statuaire) عملاً در حقوق شرکت‌های آلمان وجود ندارد. برای این‌که این قانون بر گروه شرکت‌ها اعمال شود دو شرط باید جمع شوند: ابتدا، حداقل یکی از شرکت‌ها باید شرکت سهامی یا شرکت مختلط سهامی باشد؛ دوم این‌که، این شرکت سهامی باید به یک شرکت دیگر متصل باشد. (Bouderhem, 2012: n.321, p.338)





متعدد و گاهی اوقات لاینحل مواجه خواهیم شد (تعارض بین قانون حاکم بر گروه و قانون حاکم بر هر شرکت گروه). (Jacquet, Delebecque et Corneloup, 2010: 188)

جدا از این دو رویکرد که یا فقط موافق الحاق تابعیت شرکت مادر به شرکت‌های تابعه هستند و یا این که تحت هر شرایطی شرکت تابعه را ملحق به تابعیت کشور محل عملیاتش می‌دانند، می‌توان از میان نظریات نویسندگان قائل به یک دیدگاه تلفیقی هم شد که موافق ملاک دوگانه حقوقی و اقتصادی برای تعیین تابعیت شرکت‌ها است و این اختیار را به هر کشوری می‌دهد تا در صورت لزوم با خروج از ضابطه حقوقی و اعمال ضابطه اقتصادی، یک شرکت تابعه را شرکت خارجی و ملحق به تابعیت شرکت مادر بداند.

۴. رویکرد دوگانه حقوقی اقتصادی در تعیین تابعیت گروه شرکت‌ها

نظر به اینکه سیمای واقعی گروه شرکت‌ها اساساً بر تسلط اقتصادی تکیه دارد لذا در واقع بهتر است گاهی بر خلاف رویکرد حقوقی که طرفدار استقلال حقوقی شرکت‌ها است به گروه مذکور بنگریم. گروه شرکت‌ها برای شخصی که تنها با ملاک حقوقی نظاره‌گر آن است ممکن است غیرقابل رؤیت باشد. (Catel Duet, 2007: 618) از سوی دیگر تعیین یک قانون حاکم واحد و یک تابعیت مشترک برای تمامی شرکت‌های عضو یک گروه بین‌المللی، به نظر راه حل جالبی نیست. لیکن در فرضی که الحاق حقوقی یک شرکت تابعه به یک کشور، دروغین یا متقلبانه و صرفاً برای برخورداری از حقوق مختص شرکت‌های ملی باشد و نیز برای تعیین تابعیت شرکت تابعه به عنوان مکمل ملاک اقامتگاه اصلی، ممکن است حجاب استقلال شرکت کنار زده شود و تابعیت شرکت مادر برای آن لحاظ گردد.

بنابراین می‌توان معیار کنترل اقتصادی (جنبه اقتصادی) را به عنوان مکمل ملاک اقامتگاه اصلی برای تعیین تابعیت شرکت‌های تابعه گروه بین‌المللی در نظر گرفت. قبلاً گفته شد که به اعتقاد برخی، تعیین تابعیت شرکت‌ها باید بر اساس یک الحاق اقتصادی باشد. اما در مقابل، برخی با رد این نظر معتقدند که ملاک کنترل اقتصادی نمی‌تواند به عنوان ملاک منحصر تعیین تابعیت قرار گیرد بلکه نهایت ارزشی که برای آن می‌توان در این رابطه قائل





شد این است که می‌تواند به صورت ترکیب با ملاک اقامتگاه اصلی و مکمل آن در تعیین تابعیت مورد استفاده واقع شود. لذا در برخی مواقع به دلیل الحاق واقعی (از جهت اقتصادی) شرکت تابعه به کشور شرکت مادر می‌توان تابعیت او را نیز همانند تابعیت شرکت مادر دانست. همچنین یک شرکت تابعه گروه بین‌المللی شرکت‌ها که اقامتگاه واقعی‌اش در یک کشور در حال توسعه است در صورتی که در توسعه محلی مشارکت ننماید، نمی‌تواند برخورداری از حقوقی را که برای شرکت‌های محلی محفوظ است مطالبه نماید و لذا باید تابع دولت متبوع شرکت مادر قرار گیرد. (Bouderhem, 2012, n.313: 332)

۵. در حقوق فرانسه

در حقوق کنونی فرانسه گروه شرکت‌ها فاقد وحدت حقوقی است و فقط وحدت اقتصادی و اجتماعی دارد. این گروه در حقوق فرانسه و در حقوق بیشتر کشورها فاقد شخصیت حقوقی است به جز در حقوق آلمان. با توجه به فقدان شخصیت حقوقی گروه شرکت‌ها این گروه نمی‌تواند واجد یک تابعیت باشد. در نتیجه تابعیت هر یک از اعضای گروه شرکت‌ها منحصرأً مختص به خود او خواهد بود. (Bouderhem, 2012, n.302: 306-307, 321, 326-327) «با توجه به این که گروه شرکت‌ها در فرانسه یک واحد حقوقی فاقد شخصیت حقوقی است، حقوق فرانسه به مسائل حقوقی مربوط به گروه شرکت‌ها نمی‌پردازد» (Catel Duet, 2007: 620) با این وجود در موارد خاص، حقوق فرانسه مفهوم گروه یا واحد اقتصادی و یا اجتماعی را در مقررات پراکنده‌ای به رسمیت می‌شناسد. «اولین گروهی که قانون فرانسه آن را به رسمیت شناخت، گروه منافع اقتصادی^۱ است که شخصیت حقوقی دارد.^۲ این نوع از گروه که برای آن قانون وضع شده

1. GIE

2. Le pppppppppp êêêêêêêéooooooooe))))

۲. ماده ۱ دستورالعمل ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۷ فرانسه در ارتباط با گروه منافع اقتصادی تصریح می‌کند که «دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی می‌توانند بین خودشان برای مدت معین، گروه منافع اقتصادی را ایجاد نمایند. هدف گروه، تسهیل یا توسعه فعالیت اقتصادی اعضا و همچنین اصلاح و افزایش نتایج این فعالیت است؛ منفعتی برای خود گروه ایجاد



است به عنوان مدل اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا اتحادیه در پی ایجاد اشخاص حقوقی است که هدفشان همکاری بیشتر شرکت‌هایی است که برخاسته از کشور-های عضو اتحادیه هستند. به علاوه شرکت اروپایی^۱ همچنین می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای شناسایی گروه‌های شرکت‌ها در اتحادیه اروپا در نظر گرفته شود. چرا که شرکت-های اروپایی هم در واقع گونه‌ای از گروه شرکت‌ها می‌باشند. (Bouderhem, 2012, n.318:336)

بازگشت کرد شرکت مادر حقوق فرانسه اتحادیه اروپا را دارد

قانون کار فرانسه، کمیته گروه^۲ را که برابر با کمیته بنگاه‌ها^۳ می‌باشد به رسمیت شناخته است. در واقع در حقوق فرانسه نمایندگی حقوق‌بگیران در درون گروه‌های شرکت‌ها از طریق یک نهاد ویژه به نام کمیته گروه انجام می‌شود. معادل آن در گروه‌های اروپایی، کمیته بنگاه اروپایی است که بنا بر ماده (L.2341-4) قانون کار «هدفش تضمین حق اطلاع و حق تبادل نظر است». کمیته گروه باید در گروه توسط شرکتی ایجاد شود که به آن، «شرکت مسلط» می‌گویند و دیگر شرکت‌ها را کنترل می‌کند یا اثر مسلطی بر آن شرکت‌ها دارد. طبق ماده (L.2331-1) قانون کار، برای ایجاد کمیته گروه لازم است که اقامتگاه اصلی شرکت مادر در خاک فرانسه باشد در غیر این صورت گروه نمی‌تواند کمیته گروه را ایجاد نماید. با این حال، چنانچه اقامتگاه اصلی شرکت مادر در قلمرو یک کشور عضو اتحادیه اروپا باشد، این شرکت باید یک کمیته بنگاه اروپایی ایجاد نماید. همچنین مطابق حقوق مالیاتی، گروه شرکت‌ها در کلیت خود موجود فرض می‌شود. چرا که مالیات در

نمی‌شود. فعالیتش باید مربوط به فعالیت اقتصادی اعضایش باشد....» GIE قراردادی است که باید هدف اقتصادی قانونی داشته باشد. هدف، کمک به چندین شرکت است تا قابلیت‌های انسانی، مالی یا مادی را به صورت مشترک برای تحقق یک هدف جمع‌آوری نماید. شخصیت حقوقی و استقلال هر شرکت گروه محفوظ است. (ر.ک به سایت:

https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do;jsessionid=C48598A28B645612519A047D04FA0A79.tpdjo13v_1?cidTexte=JORFTEXT000000339915&dateTexte=19960708
۱ Société Européenne (SE)

همچنین در قانون تجارت فرانسه مواد L.251-1 تا L.251-23 به گروه منافع اقتصادی فرانسوی و مواد L.252-1 تا L.252-12 به گروه منافع اقتصادی اروپایی اختصاص دارد.

2. Les comités de groupes
3. Lss tttt tt ttt pprssss



سطح هر شرکت درخواست نمی‌شود بلکه در سطح شرکت مادر درخواست می‌شود و در واقع یک سیستم ادغام مالیاتی مطرح است. (Bouderhem, 2012, n.317:334) جدا از این موارد نادر و مصرح که قانون‌گذار فرانسه گروه شرکت‌ها را به صورت واحد می‌شناسد، رویه قضایی فرانسه، با استناد به آرای که در ذیل می‌آوریم یگانگی حقوقی گروه شرکت‌ها را نمی‌پذیرد.

۵-۱. بررسی رویه قضایی فرانسه

در رأی ۲ آوریل ۱۹۹۶، اتاق تجاری دیوان کشور فرانسه تأیید کرد که حساب جاری به نام گروه نمی‌تواند باز شود؛ زیرا گروه فاقد شخصیت حقوقی و اهلیت قرارداد بستن است. گروه یک موضوع حقوقی نیست و برای گروه تعریف اقتصادی بر تعریف حقوقی غلبه دارد. در نتیجه شرکت‌های عضو یک گروه، اشخاص حقوقی هستند که از نظر حقوقی متمایزند. «رویه قضایی هیچ‌گاه نپذیرفته است که شرکت‌های تابعه یک گروه بین‌المللی از نظر حقوقی ملحق به شرکت مادر باشند حتی اگر مرکز واقعی تصمیم‌گیری در قلمرو کشور ایجاد یا ثبت شرکت مادر واقع باشد. رویه قضایی اساساً قائل به ثبات ملاک تعیین قانون حاکم بر شرکت‌ها است و این ملاک، اقامتگاه اساسنامه‌ای است. اتخاذ اقامتگاه اساسنامه‌ای شرکت تابعه به دلیل ثبات آن باعث حفظ حقوق اشخاص ثالث و شرکا می‌شود». در رأی ۲۲ مه ۱۹۶۵ دادگاه تجدیدنظر پاریس تفاوت واقعی بین عامل ارتباط حقوقی یک شرکت تابعه به کشور محل استقرارش و وابستگی آن در زمینه استراتژی تجاری و اقتصادی به شرکت مادر را اعلام کرده است. در این پرونده، شرکت مادر که در ایالات متحده ایجاد شده بود به شرکت تابعه فرانسوی‌اش دستور داد که به دلیل این که ایالات متحده دستور تحریم چین را داده است شرکت تابعه فرانسوی هم یک قرارداد مهم با چین را به هم بزند. با این وجود مدیرانی که توسط اقلیت در شرکت تابعه



1. art. 223 à 223 U du code général des impôts
2. Cass. com., 2 avril 1996, D. 1996, Bull. Joly sociétés 1996, p. 510, note P. le Cannu.
3. note R. Contin (1968), Semaine Juridique éd. entreprise et affaires, Recueil Dalloz (1968), rrrr rrr eel aa,,,, eeeee eee 22 mii ,,», «ééééé ééééééé Cppporation c/ Massardy et autres», pp. 147-150

فرانسوی منصوب شده بودند، این حکم را از دادگاه تجاری Corbeil-Essonnes به دست-آوردند که قرارداد اجرا شود و برای زمان اجرای قرارداد نیز یک مدیر موقت تعیین گردد. دادگاه تجدیدنظر با استناد به برتری منافع شرکت تابعه نسبت به منافع سهامداران، رأی را تأیید کرد و تصریح کرد که بقای شرکت تابعه فرانسوی که کارفرمای حدود ۶۰۰ نفر بود، در صورت عدم اجرای قرارداد در معرض خطر قرار می گرفت. در صورتی که اگر مرکز واقعی تصمیم گیری شرکت لحاظ می شد، شرکت تابعه فرانسوی تحت نفوذ شرکت آمریکایی که اعمال فراقلمرویی خود را مطالبه می کرد قرار می گرفت. در نتیجه قضات باید اقامتگاه اساسنامه ای و منافع شرکت تابعه را در نظر بگیرند بدین منظور که از یک جهت تابعیت آن را و از جهت دیگر قانون حاکم بر آن را تعیین نمایند. (Bouderhem, 2012, n.319: 336-337)

تأیید کرد که قرارداد اجرا شود و برای زمان اجرای قرارداد نیز یک مدیر موقت تعیین گردد.

۶. در اتحادیه اروپا

حقوق اتحادیه فاقد مقرره ویژه در مورد گروه شرکتهاست. با این وجود حقوق مثبت اتحادیه با اتخاذ اصولی که در اغلب کشورهای عضو به صورت جزئی وجود دارد در این مورد در حال توسعه است.

«کمسیون اروپا پروژه نهمین دستور را در سال ۱۹۸۴ در مورد شرکت های به هم وابسته^۱ و گروه های شرکت ها ارائه داد. اولین نسخه این دستور که ملهم از حقوق آلمان^۲ بود و با هدف ایجاد یک سری از ضوابط حقوقی برای مدیریت مناسب گروه نگاشته شد، بسیار آمارانه بود و به این دلیل مخالفت های شدیدی در اتحادیه به وجود آمد که در نتیجه

1. les entreprises liées

شرکت وابسته شرکتی است که به شرکت دیگری وابسته باشد؛ اعم از اینکه مالک سهام باشد و یا سهام آن در دست شرکت دوم باشد. شرکتی است که به طور غیر مستقیم یا مستقیم از طریق یک یا چند شرکت واسطه، شرکت دیگری را کنترل می کند؛ یا به وسیله شرکت دیگری کنترل می شود؛ و یا با شرکت دیگر مشترکاً به وسیله شرکت سوم کنترل می گردند. (صالحی مازندرانی و ذاکری نیا؛ ۱۳۹۲: ۱۵۰)

۲. قانون مربوط به شرکت های سهامی (aktiengesetz) ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۵. کتاب III در ارتباط با شرکت های وابسته- به هم (verbundeneunternehmen)، § 17.





کمیسیون را به تهیه یک پروژه‌ای که کمتر آمرانه و بیشتر متمرکز بر هماهنگ‌سازی قوانین کشورها باشد سوق داد. بعد از مخالفت اولیه کشورها، کمیسیون تصمیم به بررسی قوانین ملی کشورهای عضو درخصوص گروه شرکت‌ها گرفت.^۱ در نهایت در سال ۲۰۰۲ گروهی از کارشناسان اروپایی موظف شدند که توصیه‌هایی را در خصوص حقوق شرکت‌ها تنظیم نمایند» (Bouderhem, 2012, n.334: 347).

دادگاه اروپایی در برخی از آراء خود در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ در خصوص حقوق رقابت جامعه اروپا قائل به وضعیت حقوقی مستقل گروه شرکت‌ها شده است. در این آراء، دادگاه اروپایی، خود را نسبت به شرکت مادر ثبت شده در یک کشور غیرعضو که دارای شرکتی فرعی در یک کشور عضو است، دارای صلاحیت فرض کرده مشروط بر اینکه شرکت فرعی مزبور رفتار خود در بازار اقتصادی را به طریقی خود مختار تعیین نکند بلکه اساساً دستورات شرکت مادر را به انجام برساند. (اشمیتوف، ۱۳۹۰: ۴۹۵-۴۹۶)

غیر از تلاش‌های اتحادیه اروپا نیز در این زمینه اشاره کرد. طبق نظر دیوان دادگستری، استقلال حقوقی شرکت‌ها، باعث عدم شناسایی وجود گروه شرکت‌ها شد؛ اما اغلب، وابستگی اقتصادی که به نوعی ادامه وابستگی حقوقی است، مانع می‌شود که شرکت تابعه به عنوان یک نهاد مستقل در نظر گرفته شود. (Gavalda et Parléani, 2006: 281) بر پایه یک ملاک صرفاً اقتصادی که به میزان استقلال شرکت‌های تابعه توجه می‌کند و یک تحلیل عینی از وضعیت شرکت تابعه نسبت به شرکت مادر، دیوان دادگستری در پرونده «Viho Europe c/ Commission» در سال ۱۹۹۵ این گونه استنباط نمود که گروه یک مجموعه واحد است و ایجاد شرکت تابعه تنها یک تقسیم وظایف ساده در دل همان شرکت است.^۲ اما برعکس در پرونده «BMW Belgium» در سال ۱۹۷۹ استنباطش از گروه شرکت‌ها،



۱- در اروپا تنها دو کشور برای گروه شرکت‌ها حقوق ویژه‌ای دارند: آلمان و پرتغال.

2. Arrêt 12 janvier 1995: «Viho Europe c/ Commission» (1/8/2019), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61992TJ0102>

این بود که مجموعه‌ای از شرکت‌ها است که در خدمت یک هدف واحد هستند.^۱ به علاوه حتی در صورت عدم تقسیم وظایف در درون گروه در صورتی که شرکت مادر یک کنترل مؤثری اعمال کند، یک رابطه وابستگی (تبعیت) می‌تواند میان شرکت‌های عضو گروه وجود داشته باشد. نشانه‌ای که می‌توان برای وجود واحد گروه شرکت‌ها ذکر کرد، فقدان رقابت میان این شرکت‌ها است. از نظر دیوان دادگستری ملاک اصلی، استقلال مؤثر اقدام در بازار است که می‌تواند توسط شرکت مادر محدود شود یا تحت تأثیر شرکت مادر قرار گیرد. در پرونده «Hydrotherm» در سال ۱۹۸۴ دیوان دادگستری چنین رأی داد: «هنگامی که یکی از طرف‌های توافق از شرکت‌هایی است که منافع یکسان دارند و از شرکت‌هایی است که توسط اشخاص حقیقی واحد کنترل می‌شوند، با هم یک طرف توافق را ایجاد می‌کنند نه دو طرف آن را. در واقع در این شرایط هیچ امکان بالقوه‌ای وجود ندارد تا این شرکت‌ها با هم رقابت کنند، و مانند یک طرف در توافق مورد بحث هستند.... حتی اگر از نقطه نظر حقوقی این واحد اقتصادی از چندین شخص حقیقی یا حقوقی تشکیل شود.»^۲ «دیوان دادگستری در آرایه‌ی در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳ برای دانستن این که آیا شرکت به عمل ضد رقابتی می‌پردازد یا خیر، صرفاً ملاک استقلال در تصمیم‌گیری را لحاظ نمود: در صورت فقدان استقلال در تصمیم‌گیری، شرکت تابعه برای لطمه به رقابت آزاد محکوم نمی‌شود. در فرضی که دو شرکت تابعه یک گروه یک توافقی را امضاء می‌کنند، باید میزان وابستگی و استقلال این شرکت‌های تابعه را در نظر گرفت. اگر مشخص شود که یکی از شرکت‌های تابعه نسبت به دیگر شرکت‌های تابعه رابطه وابستگی ندارد، عمل آن به شرکت تابعه دیگر نسبت داده نمی‌شود.^۳ در مقابل اگر یک شرکت تابعه با یک شرکت خارج از گروه توافقی نماید، در صورتی که تحلیل وضعیت شرکت تابعه نشان دهد که هیچ گونه استقلالی در تصمیم‌گیری ندارد، ممکن است شرکت مادر مسؤول

1. Arrêt 12 juillet 1979: «BMW Belgium» (1/8/2019), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?Uri=CELEX:61978CJ0032>
 2. Arrêt 12 juillet 1984: «Hydrotherm Gerätebau» (1/8/2019), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61983CJ0170>
 3. Arrêt 2 octobre 2003: «Aristrain» (1/8/2019), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61999CJ0196>



۷. در حقوق ایران

«قانون‌گذار ایران دربارهٔ تابعیت گروه شرکت‌ها و به طور اخص شرکت‌های چندملیتی مقرراتی وضع نکرده است. به نظر می‌رسد از آنجایی که هریک از شرکت‌های فرعی شخصیتی مستقل از شخصیت شرکت مادر دارند، مطابق قواعد کلی، هر شرکت فرعی دارای تابعیت جداگانه‌ای است» (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴۸) طبق ماده (۵۸۳) قانون تجارت ایران کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند و از حین ایجاد واجد شخصیت حقوقی می‌شوند اما در خصوص گروه شرکت‌ها این ماده را تنها می‌توان بر شرکت‌های تابعه منطبق دانست و نمی‌توان گفت که این ماده ناظر به مجموعه گروه شرکت‌ها هم می‌باشد.

از مباحثی که برخی از حقوق‌دانان ایران در خصوص شرکت‌های چندملیتی مطرح نموده‌اند می‌توان به رویکرد اتخاذی آن‌ها در خصوص گروه بین‌المللی شرکت‌ها پی‌برد. برخی حقوق‌دانان ایرانی دیدگاهی نزدیک به رویکرد تلفیقی حقوقی و اقتصادی دارند؛ چرا که معتقدند «می‌توان شرکت چندملیتی را موجودی دانست که تابعیت چندگانه دارد ولی برخلاف آن‌چه که در مورد اشخاص طبیعی در داشتن تابعیت مضاعف و چندگانه صادق است، هر یک از دولت‌هایی که شرکت‌های چندملیتی تابعیت آن را دارند می‌توانند شعبه مستقر در خاک خود را به عنوان شرکت خارجی تلقی کنند. زیرا طبیعت شرکت چندملیتی به گونه‌ای است که پیوندهای هر شعبه با کشور میزبان ضعیف‌تر از پیوندهایی است که شعبه را به شرکت کل و در نتیجه به مجموعه سایر کشورهایی که شرکت چند-ملیتی در آن‌جا فعالیت دارد مرتبط می‌سازد. هر یک از شرکت‌های فرعی در واقع فقط



1. Arrêt 14 mai 1998: «KNP c/Commission» («Carton»), <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61994TJ0309>



یک تابعیت دارند (محل ثبت) ولی به لحاظ این که شرکت اصلی، دارنده سهام شرکت- های فرعی محسوب می گردد مجموعه این سازمان حقوقی چندملیتی محسوب می شوند. به عبارت دیگر شرکت هایی چندملیتی هستند که به لحاظ داشتن شرکت های فرعی در کشورهای مختلف و یا به لحاظ تابعیت های گوناگون سهامداران و اعضای هیأت مدیره خود، چندملیتی محسوب می شوند» (نصیری، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۴۵)

همچنین هنگامی که مسأله مسئولیت در رابطه با شرکت های چندملیتی مطرح می شود می توان عقیده برخی نویسندگان را در رابطه با گروه شرکت ها متوجه شد: «از آن جا که شرکت های فرعی واجد شخصیت حقوقی مستقل از شرکت مادر هستند به تنهایی مسؤول اجرای تعهدات قراردادی خود می باشند و در صورت عدم اجرا و نقض تعهدات قراردادی چنانچه شرکت فرعی نتواند از عهده جبران خسارت ناشی از نقض مزبور برآید، شرکت مادر ضامن خواهد بود. شاید بتوان گفت که شرکت مادر به ویژه در رابطه با مسئولیت شرکت فرعی نسبت به محیط و محصولات خود در مقابل طلبکاران مسئولیت مستقیم دارد. شرکت چند ملیتی مسؤول جبران خسارت ناشی از افعال کارکنان، سهامداران و شرکت های زیرمجموعه خود می باشد. چون شرکت های مادر برای فرار از مسئولیت های حقوقی و مالی مبادرت به تأسیس شرکت های فرعی و اقماری با شخصیت حقوقی مستقل می نمایند، چون شرکت های فرعی معمولاً منابع مالی کافی ندارند و یا زود منحل می شوند حکم به مسئولیت شرکت مادر می شود. درهم تنیده بودن مدیریت شرکت های تابعه و شرکت مادر و قرار گرفتن شرکت تابعه در سلسله مراتب اداری و مدیریتی هرم تشکیلات، لزوم مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت های تابعه را یادآور می شود. در بسیاری موارد اشخاص ثالث با در نظر گرفتن اعتبار کل مجموعه وارد معامله با شرکت تابعه می شوند و لذا این انتظار وجود دارد که همان گونه که در زمان عملیات و کسب سود، شرکت مادر به عنوان متولی شرکت تابعه اقدام به هدایت عملیات و جهت دهی به آن می-





نماید، در زمان زیان و یا ورشکستگی نیز مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد و خود را پشت اصل مسئولیت محدود پنهان نکند» (همچنین نک. رضایی، ۱۳۹۶: ۳۷؛ لطیفیان، ۱۳۹۱: ۵۸۳). در دهه‌های اخیر دعاوی خصوصی زیادی در مورد اعمال شرکت‌های چند ملیتی طرح شده است. برخی از این دعاوی در کشورهای مادر و برخی دیگر در محل فعالیت شعبه در کشورهای میزبان مطرح شده است (قنبری جهرمی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

در رابطه با مسئولیت کیفری نیز، مطابق ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ «در تصمیمات قضایی به مسئولیت کیفری شرکت مادر در قبال خسارات زیست محیطی که به وسیله شرکت‌های تابعه خارجی وارد آمده، حکم می‌گردد؛ به ویژه آن‌جا که شرکت مادر کنترل شدیدی بر شرکت فرعی خود دارد». (صالحی مازندرانی و ذاکری-نیا، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۵۶)

نتیجه‌گیری

بررسی گروه شرکت‌ها که از یک شرکت مادر و یک یا چند شرکت فرعی تشکیل شده است مسأله تابعیت مستقل شرکت‌های گروه و تابعیت خود گروه را به عنوان یک کل واحد مطرح می‌سازد. بیشتر کشورها برای گروه شرکت‌ها مقررات مخصوصی ندارند. در اروپا تنها دو کشور آلمان و پرتغال برای گروه شرکت‌ها مقررات ویژه‌ای وضع کرده‌اند. غالب کشورها گروه شرکت‌ها را به عنوان یک کل یکپارچه و واحد در نظر نمی‌گیرند و لذا برای گروه، شخصیت حقوقی و بالتبع تابعیت قائل نیستند. اما شرکت‌های تشکیل‌دهنده گروه را دارای شخصیت حقوقی و تابعیت مستقل می‌دانند. با توجه به اینکه شرکت‌های

۱. ماده ۱۴۳ ق.م.ا: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام، از طرف یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».



فرعی گروه در کشورهای مختلفی پراکنده‌اند اعطای تابعیت به آنها در صلاحیت کشور محل وقوع آنها است که کشور مذکور با توجه به مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی خود در اعطای تابعیت محلی یا شناخت تابعیت خارجی آنها عمل می‌کند.

تابعیت گروه شرکت مادر حقوق فرانسه، جامعه اروپا و ایران

اما در مورد تابعیت گروه بین‌المللی شرکت‌ها در دکترین جهانی نظرات مختلفی وجود دارد. برخی از نویسندگان معتقدند که گروه به عنوان یک کل واحد محسوب می‌شود و لذا دارای شخصیت حقوقی و به تبع آن دارای تابعیت است. در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان که تعدادشان بیشتر از گروه اول است قائل به موجودیت مستقل گروه نیستند و در نتیجه برای گروه شخصیت حقوقی و تابعیت نمی‌شناسند. نویسندگان گروه اول برای اثبات موجودیت مستقل و واحد گروه به نظریاتی متوسل شده‌اند. از جمله می‌توان به نظریه‌های معیار تصمیم‌گیری و معیار کنترل اقتصادی اشاره کرد. مطابق نظریه مرکز تصمیم‌گیری، گروه به عنوان یک موجود مستقل، تابعیت مرکز تصمیم‌گیری و به عبارتی تابعیت شرکت مادر را دارد. بر اساس نظریه معیار کنترل اقتصادی نیز گروه، شخصیت حقوقی مستقلی داشته و تابعیت کنترل‌کننده گروه را دارد. این کنترل‌کننده ممکن است سهامداران یا شرکای اکثریت باشند یا مدیرانی که گروه را کنترل می‌کنند و گاه ممکن است کشوری باشد که منشأ تأمین سرمایه گروه است. هر یک از این دو نظریه با ایراداتی مواجه است که اجرای آنها را در عمل با دشواری مواجه می‌سازد.

در حقوق فرانسه گروه شرکت‌ها فاقد مقررات مخصوص به خود است. با این حال در مواردی خاص حقوق فرانسه مفهوم گروه یا واحد اقتصادی و یا اجتماعی را در مقررات پراکنده‌ای به رسمیت شناخته است. به استثنای این موارد نادر، رویه قضایی فرانسه نیز وحدت حقوقی گروه شرکت‌ها را نمی‌پذیرد.

حقوق اتحادیه اروپا نیز قانون خاصی در مورد گروه شرکت‌ها ندارد. دیوان دادگستری اتحادیه هم گاهی بر پایه یک ملاک صرفاً اقتصادی، گروه را یک مجموعه متحد در نظر





می‌گیرد و ایجاد شرکت تابعه را تنها یک تقسیم وظایف ساده در دل همان شرکت می‌داند و گاهی نیز استنباطش از گروه شرکت‌ها معادل یک مجموعه‌ای از شرکت‌ها است که در خدمت یک هدف واحد هستند.

در حقوق ایران درباره شرکت‌های چند ملیتی یا گروه شرکت‌ها مقررات مخصوصی وجود ندارد. لذا باید بر اساس قواعد عام در این باره حکم حاکم بر گروه شرکت‌ها را استنباط نمود. ماده (۵۸۳) قانون تجارت، شرکت‌های تجاری را دارای شخصیت حقوقی می‌داند لذا تبعاً دارای تابعیت خواهند بود. در خصوص گروه شرکت‌ها این ماده را تنها می‌توان بر شرکت‌های تابعه منطبق دانست و نمی‌توان گفت که این ماده ناظر به مجموعه گروه شرکت‌ها هم می‌باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد که قائل شدن به استقلال حقوقی شرکت‌های عضو گروه و داشتن تابعیت مستقل از تابعیت شرکت مادر مناسب‌تر از اعتقاد به استقلال خود گروه و واجد تابعیت بودن گروه باشد. زیرا اگر برای خود گروه نیز استقلال حقوقی و شخصیت و تابعیت مستقلی قائل شویم در این صورت با تعارض قوانین زیادی در این زمینه مواجه خواهیم شد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه کشورهایی که هر یک از شرکت‌های گروه در خاک آنها واقع شده‌اند در پذیرفتن تابعیت خارجی شرکت‌های فرعی مذکور و یا اعطای تابعیت داخلی به آنها آزادند و مسأله تابعیت یک امر مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشوری است که به امر تابعیت می‌پردازد؛ در این صورت ممکن است کشور میزبان شرکت فرعی، با تابعیت خارجی آن موافقت نکند و آن را متبوع خود بداند که نتیجه آن ایجاد تابعیت مضاعف شرکت مذکور خواهد شد. نتیجه این امر این است که بین تابعیت داخلی هر شرکت گروه با تابعیت خارجی آن که در واقع تابعیت کل گروه است تعارض قوانین به وجود خواهد آمد و همین امر مسأله قانون حاکم بر هر شرکت گروه را با مشکلات زیادی مواجه خواهد نمود. اما گاهی اوقات ممکن است واقعاً شرکت یا شرکت



های فرعی گروه استقلالی از خود نداشته و صرفاً مجری دستورات شرکت مادر باشند و همچنین وابستگی اقتصادی کامل و یا زیادی به شرکت مادر داشته باشند در این صورت اگر مرکز تصمیم‌گیری قابل تعیین و واحد باشد باید تابعیت اساسنامه ای شرکت یا شرکت های مذکور را که حجاب وابستگی کامل آنها به شرکت مادر است با اعمال نظریه مرکز تصمیم‌گیری و نظریه کنترل اقتصادی نادیده گرفت و شرکت فرعی مورد نظر را دارای تابعیت شرکت مادر دانست. بنابراین داشتن استقلال حقوقی شرکت‌های عضو گروه و دارا بودن تابعیت مستقل از تابعیت شرکت مادر به عنوان اصل و فقدان استقلال مذکور و الحاق آن به تابعیت شرکت مادر به عنوان استثناء باید مورد لحاظ قرار گیرد. لیکن در تمام این موارد خود گروه واجد شخصیت حقوقی و به عنوان یک موجود حقوقی مجزا از اعضای آن نمی باشد.

منابع

- (۱) اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۳ ش، **حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری**، تهران، انتشارات سمت، چ ۷، ج ۱.
- (۲) اشمیتوف، کلایو. ام، ۱۳۹۰ ش، **حقوق تجارت بین‌الملل**، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، انتشارات سمت، چ ۲، ج ۱.
- (۳) باستانی، علی رضا، ۱۳۹۰ ش، «آثار اقتصادی و بسترهای قانونی برای تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک (جوینت ونچر)»، **مجله اقتصادی**، ش ۱۰ و ۹.
- (۴) بهمنی، محمدعلی، ۱۳۹۲ ش، «نقش دکترین گروه شرکتها در شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۶۱.
- (۵) پیران، حسین، ۱۳۸۹ ش، **مسائل حقوقی سرمایه گذاری بین‌المللی**، تهران، گنج دانش، چ ۱.
- (۶) تقوی، مهدی، ۱۳۶۶ ش، **تجارت بین‌الملل**، تهران، انتشارات پیشبرد، چ ۱.



(۷) جنیدی، لعلیا و همکاران، ۱۳۹۶ ش، «تاثیر ورشکستگی شرکت‌های مادر و تابعه بر یکدیگر با تدقیق در روابط و مسئولیت متقابل آنها»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۷، ش ۲.

(۸) دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرائی، محسن، ۱۳۸۲ ش، **قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی**، تهران، نشر میثاق عدالت، چ ۳.

(۹) رضایی، علی، ۱۳۹۶ ش، «مبانی مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابع»، **مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۱، ش ۳.

(۱۰) سماواتی، حشمت‌الله، ۱۳۷۵ ش، «شرکتهای چند ملیتی: عطیه یا بلیه؟»، **مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی**، ش ۱۰۴-۱۰۳.

(۱۱) صالحی مازندرانی، محمد، ذاکری‌نیا، حانیه، ۱۳۹۲ ش، «شخصیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی و آثار آن»، **نامه مفید**، ش ۹۷.

(۱۲) عابدی‌فیروزجایی، ابراهیم، ۱۳۹۹ ش، «بررسی دکترین گروه شرکت‌ها در حقوق بانک‌ها»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۵۰، ش ۲.

(۱۳) -----، ۱۳۹۶ ش، **نظام حقوقی حاکم بر گروه شرکت‌ها: نظریه عمومی وابستگی شرکت‌های تجاری**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.

(۱۴) قنبری‌جهرمی، محمدجعفر، ۱۳۹۳ ش، «اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: چالش‌ها»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۶۷.

(۱۵) کاشی‌آرانی، رضاکریم، ۱۳۸۶ ش، «تعارض دادگاه‌ها در دعوای توقف شرکت‌های چندملیتی»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۱، ش ۲.

(۱۶) لاجوردی، عرفان، ۱۳۹۹ ش، **حقوق شرکتهای فراملی**، تهران، میزان، چ ۳.

(۱۷) لطیفیان، محمدحسین، ۱۳۹۱ ش، «شرکتهای چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ش ۶۰.

(۱۸) نصیری، مرتضی، ۱۳۵۵ ش، «شرکتهای چندملیتی با توجه به قوانین ایران»، **مجله**





روابط بین الملل، ش ۸-۷.

(۱۹) -----، ۱۳۷۰ ش، **حقوق چندملیتی**، تهران، شرکت نشر دانش افروز

وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ ۱.

(۲۰) هنجنی، علی، ۱۳۶۵ ش، «مسائل و روشهای تعیین مقررات برای شرکتهای

چندملیتی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دوره ۷، ش ۲.

- 21) arrêt 12 janvier (1995): «**Viho Europe c/ Commission**», (1/8/2019), <https://eurlex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61992TJ0102>.
- 22) arrêt 12 juillet (1979): «**BMW Belgium**», (1/8/2019) <https://eurlex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61978CJ0032>.
- 23) arrêt 12 juillet (1984): «**Hydrotherm Gerätebau**», (1/8/2019) <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61983CJ0170>.
- 24) arrêt 14 mai (1998): «**KNP c/ Commission**» («Carton»), (1/8/2019) <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX:61994TJ0309>.
- 25) arrêt 2 octobre (2003): «**Aristrain**», (1/8/2019) <https://eurlex.europa.eu/legal-content/FR/TXT/?uri=CELEX%3A61999CJ0196>.
- 26) Boudierhem, Rabai, (2012), «La nationalité des sociétés en droit français», thèse de doctorat, Université de Bourgogne, 17 Mars 2012: (1/8/2019) <https://tel.archives-ouvertes.fr/tel-00960318/document>.
- 27) Catel Duet, Aurélie, (2007), «Etre ou ne pas être: le groupe comme firme unifiée ou comme ensemble de sociétés? Une approche sociologique», Rev. droit et société, n° 67.
- 28) Couret, Alain (2002), **LLoodi ii i dique**, Rev. française de gestion, n° 28 (141).
- 29) Gavalda, Christian et Parleani, Gilbert (2006), **Droit des affaires de** **oooooooooooooooooooo**: Manuel, Litec, 5ème éd.
- 30) Hannouun, Charley (1991), **Le droit et les groupes de sociétés**, Paris: éditeur: LGDJ.
- 31) Jacquet, Jean-Michel, Delebecque, Philippe et Corneloup, Sabine (2010), **Droit du commerce international**, Paris: éd. Dalloz, 2ème éd.
- 32) Leben, Charles (1977), **La nationalité des sociétés**, nnL'pppppppee multinationale face au droit, (sous la direction de GOLDMAN Berthold), Paris: éd. Librairies techniques.
- 33) Lyon-caen, Antoine (1997), **Les manifestations juridiques du contrôle multinational**, in " pppppppppp ll nnnnnnnr ccce uu rr ii ,,



- Paris: Litec.
- 34) Menjucq, Michel (2001), Droit international et européen des sociétés, Collection: «**Précis Domat. Droit privé**», Paris: éditeur: LGDJ.
- 35) note P.le Cannu (1996), Cass. com, 2 avril 1996, Bull. Joly sociétés, pp. 510 et s.
- 36) note R. Contin (1968), **Semaine Juridique éd. entreprise et affaires**, uuuuulll zzzzzz zz66)), uuur '' ppll ,, ,, mne ,, 22 mai 1965, «Socété Fruehauf Corporation c/ Massardy et autres», pp. 147-150.
- 37) Ordonnance n° 67-821 du 23 septembre (1967) **sur les groupements d'intérêt économique**, Version consolidée au 08 juillet 1996, (14/11/2019)
https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do;jsessionid=C48598A28B645612519A047D04FA0A79.tpdjo13v_1?cidTexte=JORFTEXT000000339915&dateTexte=19960708.
- 38) Storck, Michel (1986), «**Définition légale** tttt ll uuu iii ééé **en droit français**», Rev. Sociétés.
- 39) Wandoren, Boris (Juin 2008), «**La nationalité des entreprises multinationales**», Université du Québec à Montréal, (1/8/2019)
<http://archipel.uqam.ca/1087/1/M10443.pdf>.



پیشکش کنندہ: حقوق اسلامی و غربی - عدالت فرہنگی - سال - ششم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۰

پیشکش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

